

لشکر کشی روسیه  
میلتاریسم ناتو  
و جنگ گانگسترها  
سرمایه داری یعنی جنگ، توحش!



صدای انترناسیونالیستی

E-mail: [contact@internationalistvoice.org](mailto:contact@internationalistvoice.org)

Homepage: [www.internationalistvoice.org](http://www.internationalistvoice.org)

تلگرام: <https://t.me/intvoice>

دور جدید تنش‌ها بین روسیه، اوکراین، ناتو و کشورهای غربی که با به رسمیت شناختن استقلال لوهانسک و دونتسک توسط روسیه شدت یافته بود با حمله روسیه به زیر ساخت‌ها و اهداف نظامی اوکراین، سرآغاز یک جنگ تمام‌عیار شد. پوتین اعلام کرد مقامات اوکراین توافق مینسک را از میان برده‌اند و به همان عبارات زیبایی‌چنگ انداخت که دمکراتها در لشکرکشی‌هایشان توسل می‌جویند. او عنوان کرد برای "نازی زدایی"، "نظامی زدایی" و "جلوگیری از نسل‌کشی" اوکراین دست به حمله زده است. او مدعی شد که اوکراین به مستعمره آمریکا با یک رژیم دست‌نشانده به مرکزی برای جاسوسی از روسیه تبدیل شده است. ادعاهای پوتین در "نظامی زدایی" و "بشر دوستی" به اندازه ادعاهای «کالین پاول» وزیر امور خارجه جرج دبلیو بوش حقیقت دارد. «کالین پاول» در سال ۲۰۰۳ در لانه دزدان، در سازمان ملل متحد ایستاد و به جهان اعلام کرد که "شواهد انکار ناپذیری" دارد مبنی بر اینکه صدام حسین سلاح کشتار جمعی در اختیار دارد و صلح جهانی را تهدید می‌کند. پس از جنگ و جب‌به‌وجب عراق را زیر و رو کردند اما از سلاح کشتار جمعی عراق چیزی پیدا نکردند.

بدنبال سقوط جهان دو قطبی، آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت جهان ظهور کرد و جورج بوش پدر نظم نوین جهانی را اعلام کرد. اما تسلط بلامنازع آمریکا کوتاه مدت بود و هر یک از قدرتهای امپریالیستی بدنبال سهم و منافع امپریالیستی خود بودند. آمریکا تلاش کرد با به راه انداختن جنگ‌ها البته با الفاظ بشر دوستانه دیگر

قدرتهای امپریالیستی را پشت سر خود ردیف کند. گانگسترهای غربی با عبارات زیبایی همچون «عملیات بشر دوستانه»، «در راستای صلح جهانی»، «مبارزه با تروریسم» و غیره طبقه کارگر را به قتلگاه امپریالیستی بسیج کرده اند. دروغ و ریاکاری حافظان صلح جهانی از بشر دوستی شان زمانی آشکار می شود که هیچ بخشی از طبقه کارگر در این کشورها از شر حملات بورژوازی در امان نبوده است. بورژوازی غرب سخت ترین ریاضت های اقتصادی را به طبقه کارگر غرب اعمال کرده است.

پس از سقوط شوروی مدت زمانی طول کشید تا روسیه سر انجام مجدداً بعنوان مدعی قدرت جهانی، جاه طلبی های امپریالیستی خود را مطرح کند. زرادخانه نظامی و ذخایر قابل توجه انرژی (گاز و نفت) روسیه ابزاری در راستای اعمال سیاستهای جاه طلبانه و امپریالیستی بودند. غرب و در راس آن آمریکا در راستای منافع امپریالیستی خود حمایت گر «انقلابات رنگی» در کشور های شوروی سابق بوده اند تا دولتهای حامی منافع غرب سر کار بیاید. بدنبال «انقلاب مخملی» در اوکراین و سر انجام در سال ۲۰۱۴ اوکراین به سوی اتحادیه اروپا و ناتو جهت گیری کرد و همکاری نظامی و فنی بین ناتو و اوکراین تشدید یافت. هدف ناتو محاصره روسیه و خواست روسیه نپيوستن اوکراین و گرجستان به ناتو، خروج تجهیزات نظامی ناتو از این کشورها و شکست محاصره ناتو بوده است.

مهار دوگانه چین و روسیه، همزمان هزینه هنگفتی را برای ایالات متحده به همراه دارد لذا تمرکز آمریکا بر رویارویی با چین

بوده است. این سیاست از زمان ترامپ شروع شد و بایدن سیاست آغاز شده‌ی ترامپ را دنبال میکند. چین اگر چه از لحاظ نظامی قابل مقایسه با آمریکا و روسیه نیست اما جاه طلبی های امپریالیستی چین، آمریکا را به چالش می کشد.

یکی از اهداف ایالات متحده در رابطه با اوکراین برهم زدن روابط روسیه و اتحادیه اروپا و به صف کردن اروپائیان پشت سر خود و تقویت وابستگی نظامی دیگر کشورها به آمریکا بوده است. برخلاف عوامفریبی های بورژوازی آمریکا مبنی بر تنش زدایی، بورژوازی آمریکا نه تنها بدنبال تنش است بلکه سعی در دامن زدن به آن نیز دارد تا کشورهای عضو ناتو و دیگر کشورها را پشت سر خود به صف کند و هژمونی از دست رفته را مجددا کسب کند. بخصوص پس از خروج تحقیر آمیز آمریکا از افغانستان، آمریکا نیازمند بازسازی چهره و شهرت خود است و ظاهرا تا حدودی نیز موفق شده است. بورژوازی بریتانیا تارixa دنباله رو آمریکا بوده است. فرانسه و آلمان مهمترین کشورهای اتحادیه اروپا بر سر منافع امپریالیستی خود فقط نق میزنند اما عملا بدنبال لشکر کشی روسیه پشت سر آمریکا صف بسته اند.

اسرائیل و ترکیه روابط نزدیک و پیچیده ای با روسیه داشتند و آمریکا آنها را تحت فشار قرار داده بود تا موضعگیری کنند. اسرائیل در رابطه با تنش بین اوکراین و روسیه سکوت اختیار کرده بود و این بخاطر نیاز اسرائیل به روسیه برای عملیات نظامی علیه ایران در سوریه بوده است اما سرانجام اسرائیل لشکر کشی روسیه را محکوم کرد و یائیر لاپید چنین گفت:

"حمله روسیه به اوکراین نقض جدی نظم بین‌الملل است. اسرائیل این حمله را محکوم می‌کند."<sup>۱</sup>

موضع‌گیری اسرائیل در محکوم کردن لشکرکشی روسیه با واکنش سریع روسیه همراه بود، و این گمانه‌زنی را بوجود آورده است که احتمالاً اسرائیل در آینده دست باز را در سوریه همچون سابق نخواهد داشت. الکسی پوئادسکی، نماینده روسیه در سازمان ملل در حساب کاربری توئیتر خود چنین نوشت:

"ما نگران برنامه‌های اعلام شده تل آویو برای گسترش فعالیت‌های شهرک‌سازی در بلندی‌های اشغالی جولان هستیم که با مفاد کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو در تضاد است. روسیه حاکمیت اسرائیل بر بلندی‌های جولان را که بخشی از سوریه است را به رسمیت نمی‌شناسد."<sup>۲</sup>

ترکیه عضو ناتو است و یکی از بزرگترین سرمایه‌گذاران خارجی در اوکراین و همچنین دو کشور همکاری‌های تنگاتنگی در صنایع نظامی دارند. از سوی دیگر ترکیه نیازمند روسیه برای تداوم و اعمال سیاست‌های امپریالیستی خود است، بخصوص در قفقاز. روسیه در جنگ قره‌باغ ارمنستان را تنها گذاشت تا آذربایجان

---

<sup>۱</sup> تایمز اسرائیل

<sup>۲</sup> <https://twitter.com/RussiaUN/status/1496623763722579975>

با کمک ترکیه به پیروزی های چشمگیری نائل شود. در ضمن ترکیه نه تنها به گاز و نفت ترکیه بلکه به محصولات کشاورزی روسیه نیز بشدت وابسته است. قطع موقت واردات گاز از ایران باعث بحران کمبود برق در ترکیه شد که بدنبال خود تولید بعضی از کارخانجات را تحت تاثیر قرار داد. بدنبال لشکر کشی روسیه صف های مقابل ناوایی ها طولانی تر شده و مردم به شدت نگران گران تر شدن نان هستند، چرا که در سال گذشته ۷۰ درصد گندم مورد نیاز ترکیه از روسیه وارد شده است.

نیوریک تایمز افساء کرد، چین اطلاعاتی را که آمریکا در رابطه با روسیه در اختیار چین قرار داده بود تا با توجه به آن مانع حمله روسیه به اوکراین شود، چین این اطلاعات را در اختیار روسیه قرار داده است.<sup>۲</sup> سخنگوی وزارت خارجه چین حاضر نشد حمله روسیه به اوکراین را اشغال یک کشور ارزیابی کند و مسئولیت تنش ها و جنگ را به گردن آمریکا انداخت و چنین گفت:

"دولت آمریکا اخیرا با ارسال اسلحه، احتمال وقوع جنگ را تشدید کرده است. ریختن نفت روی آتش در زمانی که از دیگران می خواهی آتش را خاموش کنند، رفتار غیرمسئولانه و غیراخلاقی است."<sup>۴</sup>

---

<sup>۲</sup> نیویورک تایمز

<sup>۴</sup> اظهارات سخنگوی وزارت خارجه چین

در لانهٔ دزدان (سازمان ملل) اعضای شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه پیشنهادی را در رابطه با لشکر کشی روسیه به رای گذاشتند که با وتوی روسیه مواجه شد.<sup>۵</sup> نکته حائز اهمیت این است که به غیر از چین، هند و امارات متحده رای ممتنع دادند. امارات از متحدان اصلی آمریکا و غرب در حاشیه خلیج است. «هند از محکوم کردن حمله روسیه به اوکراین اجتناب می کند و از ائتلاف بایدن علیه مسکو دوری می کند» مقاله واشنگتن پست بوده است.<sup>۶</sup> هند همچنین می خواهد رویه را در تجارت دو کشور جایگزین نماید تا روابط اقتصادی دو کشور تحت تاثیر تحریم ها قرار نگیرد. سفیر اوکراین در هند از موضع هند ناراضی است.

همگی اینها به مفهوم این است که ما شاهد هرج و مرج بیشتر، دور جدیدی از تنش های امپریالیستی بیشتر خواهیم بود و بی ثباتی خود را از اروپا تا خاورمیانه، از قفقاز تا آسیای جنوب شرقی گسترش خواهد داد.

بورژوازی اوکراین به نوعی در دام توهمات غربی ها افتاد، تصور می کرد در صورت حمله روسیه کشورهای غربی و ناتو به دفاع از اوکراین بر خواهند خاست. اما اوکراین عضو ناتو نیست و آمریکا تعهدی به دفاع از آن اوکراین ندارد. کشورهای اروپایی نیز نمی خواهند خود را مستقیماً درگیر نظامی کنند، بخصوص اینکه روسیه تهدید کرده در صورت دخالت دیگران، با پیامدهایی روبرو

---

<sup>۵</sup> خبرگزاری رویترز  
<sup>۶</sup> روزنامه واشنگتن پست

خواهند شد که تاکنون ندیده اند یعنی پاسخ اتمی خواهد بود. در چنین شرایطی بود که زلنسکی رئیس جمهور اوکراین اظهار داشت:

"قدرت‌های جهان فقط از دور نظاره می‌کنند."<sup>۷</sup>

روسیه به عواقب حمله خود آگاه بود و خود را از قبل برای تحریم‌های احتمالی آماده کرده بود. بانک مرکزی روسیه برای مقابله با تحریم‌های احتمالی آمریکا، ارزش ذخایر مالی خود را در قالب ارز و طلا به بیش از ۶۳۰ میلیارد دلار رسانده بود تا از افت ارزش پول ملی (روبل) جلوگیری کند.<sup>۸</sup> روسیه همچنین سرمایه‌گذاری خارجی را کاهش داده و مبادله تجاری با چین را به بخش بزرگی از استراتژی جدید خود تبدیل کرده است. مبادله تجاری با هند نیز برای روسیه از اهمیت زیادی برخوردار است که قرار شده با ارزهای محلی انجام گیرد.

تمامی کشورهای غربی به اضافه ژاپن تحریم‌های اقتصادی، تجاری علیه روسیه، شخص پوتین و وزیر امور خارجه روسیه اعمال کردند. آنها اقدام روسیه را «نقض فاحش قوانین بین‌المللی» و نقض حاکمیت اوکراین اعلام کردند. سوالی که مطرح می‌شود این است آیا اشغال افغانستان، عراق، سوریه و... نقض فاحش قوانین بین‌المللی نبود؟ آیا کشتار صد ها هزار نفر در این کشورها نسل

---

<sup>۷</sup> اخبار ۱۸

<sup>۸</sup> <https://www.bbc.com/persian/world-features-60496365>



کشی نبود؟ چرا کسی جرات نمی کرد، آمریکا، بریتانیا، فرانسه و...  
را تحریم کند؟

بورژوازی اروپا اما از تحریم گاز و نفت روسیه خودداری کرد، چرا که عواقب بسیار خطرناکی برای اقتصاد اروپا ببار می آورد، به عبارت بهتر با وجود تحریمها همچنان روسیه درآمد خود را از فروش نفت و گاز خواهد داشت. اروپا حدود ۳۵ درصد و آلمان نیمی از گاز مصرفی را از روسیه وارد میکند، گاز روسیه برای اروپائیان ارزان تمام میشود. بخش زیادی از گاز روسیه از طریق اوکراین و لهستان به اروپا می رسد و این مسئله درآمدی حدود ۲ میلیارد دلار برای اوکراین داشته است. روسیه اظهار میداشت که تحویل گاز اروپا از طرق خط لوله «نورد استریم ۲» به کاهش قیمت گاز در اروپا کمک خواهد کرد. دونالد ترامپ سعی کرد اروپائیان را قانع کند که به جای روسیه از آمریکا گاز بخرد، با توجه به قیمت بالای گاز آمریکا اروپا به خواست ترامپ تن نداد، آمریکا مخالف خط لوله انتقال گاز «نورد استریم ۲» بود، آلمان به خواست آمریکا تن در نداد.

پروژه «نورد استریم ۲» به اتمام رسیده بود و قرار بود بزودی عملیاتی شود که بدنبال لشکر کشی روسیه، آلمان آنرا تحریم کرد. دمیتری مدودف، رئیس جمهوری سابق روسیه در واکنش به تحریم پروژه «نورد استریم ۲» اظهار داشت:

"به زودی اروپایی‌ها مجبور خواهند شد برای هر هزار متر مکعب گاز طبیعی دو هزار یورو بپردازند."<sup>۹</sup>

قیمت نفت بدنبال حمله روسیه به ۱۰۵ دلار در بشکه رسید که بالاترین رقم پس از ۲۰۱۴ بوده است و قیمت گاز طبیعی ۴۲ درصد افزایش یافت.

هرج و مرج و تنش حتی به فضا نیز کشیده شده است. دیمیتری روگوزین، رئیس آژانس فضایی روسیه در پاسخ به تحریمها اظهار داشت اگر همکاری با ما را قطع کنید ممکن است ایستگاه فضایی بین‌المللی در نتیجه تحریمهای روسیه از مدار خارج شود روی سر آمریکا یا اروپا سقوط کند و چنین گفت:

"اگر همکاری با ما را متوقف کنید، چه کسی جلو خروج کنترل ناپذیر ایستگاه فضایی بین‌المللی از مدار می‌گیرد و مانع از سقوط آن به آمریکا یا اروپا می‌شود؟"<sup>۱۰</sup>

دستگاههای تبلیغاتی بورژوازی غربی با عوام فریبی تمام تلاش شان را در مهندسی افکار عمومی انجام میدهند، که بعد از جنگ جهانی دوم این اولین بار است که اروپا چنین توحشی به خود دیده است. آیا جنگ یوگسلاوی توحش در قلب اروپا نبود؟ مهمترین تمایز

---

<sup>۹</sup> خبرگزاری رویترز  
<sup>۱۰</sup> یورونیوز

جنگ اوکراین با جنگ یوگسلاوی سابق در این است که در جریان جنگ یوگسلاوی سابق کرکسها با هم برای دریدن لاشه رقابت میکردند و در رابطه با اوکراین این است که گانگسترهای روسی برای دریدن اوکراین حمله کرده اند و این برای بورژوازی غرب غیر قابل قبول است.

این جنگ محصول بحران سرمایه داری در حال انحطاط می باشد. جنگ نه محصول سیاست خشن یک دولت غیر متعارف بلکه از نیاز ذاتی سرمایه سرچشمه می گیرد و اجتناب از جنگ در عصر امپریالیسم امکان پذیر نیست. در عصر امپریالیسم، سرمایه برای حل بحران خود نهایتاً به راه حل نهائی خود یعنی جنگ متوسل می شود. بر خلاف گمانه زنی هایی که این جنگ سر آغاز جنگ جهانی سوم است، ما معتقدیم جنگ جهانی سوم در دستور روز بورژوازی جهانی قرار ندارد. برای شکل گیری جنگ جهانی دو شرط زیرین ضروری هستند:

- وجود دو بلوک سیاسی، اقتصادی و نظامی
- طبقه کارگر مغلوب شده در سطح جهانی

در دهه های اخیر شرایط بالا که برای شکلگیری جنگ جهانی ضروری است مهیا نبوده است. از یک سو هر کدام از گانگسترها به فکر منافع امپریالیستی خود هستند. و از سوی دیگر اگر چه طبقه کارگر، در شرایط کنونی قادر نیست بدیل خود، انقلاب کمونیستی را برای بربریت سرمایه داری ارائه دهد، اگر چه در دهه اخیر عقب نشینی هایی نیز کرده است، اما مغلوب نیز نشده است. لذا جنگها

بسوی جنگهای منطقه ای و جنگهای نیابتی گرایش پیدا میکنند. اگر چه نوعی هم سوئی بین روسیه و چین وجود دارد و برخی از اقدامات نظامی روسیه از حمایت ضمنی چین برخوردار است اما نباید فراموش کرد که هر یک از آنها بدنبال منافع امپریالیستی خود هستند و گاه منافع امپریالیستی شان در تضاد با هم قرار می گیرد.

این طبقه کارگر روسیه و اوکراین بود که دست در دست هم به کشتار امپریالیستی جنگ جهانی اول پایان دادند. پرولتاریای اوکراین و روسیه بعنوان بخشی از پرولتاریای جهانی بخصوص در سال ۱۹۱۷ نقش پیشقراول را داشتند و پرچمدار انقلاب کمونیستی جهانی بود. طبقه کارگر روسیه و اوکراین باید به حافظه تاریخی رجوع کند، دشمن در خانه خود، بورژوازی خودی است. کارگران وطن ندارند که بدفاع از آن برخیزند. خون هیچ کارگری نباید در دفاع از وطن سرمایه داران به زمین ریخته شود. مبارزه بردگان مزدی علیه استثمار و توحش سرمایه داری جهانی است.

از هم اکنون اعتراضات ضد جنگ در اکثر شهرهای روسیه و دیگر کشورها شکل گرفته است. در بخشی از کشورها اعتراضات ضد جنگ، شکل دفاع از دولت و کشور اوکراین بخود گرفته است، این یعنی کانالیزه کردن اعتراضات ضد جنگ به کانال دمکراسی بورژوایی، کانالیزه کردن خشم مردم در راستای قدرتهای امپریالیستی غرب و نه یک اعتراض طبقاتی به توحش سرمایه داری. همبستگی واقعی با طبقه کارگر روسیه و اوکراین، همبستگی طبقاتی است که تنها از طریق مبارزه طبقاتی امکان پذیر است. مهم این است که طبقه کارگر روسیه و اوکراین دست در دست با طبقه

کارگر دیگر کشورها بعنوان یک طبقه اجتماعی وارد جدالهای طبقاتی بشوند، آن موقع جنگ مفهوم خود را از دست خواهد داد و پرولتاریا نظم سرمایه را به چالش خواهد کشید.

از سر تا پای نظام توحش سرمایه داری خون، کثافت و لجن می بارد. از درون صلح سرمایه داری تنها شعله های جنگ می تواند زبانه کشد. مادامیکه سرمایه داری به عمر ننگین خود ادامه میدهد، بردگی مزدی، جنگ، پاندامی و... بخشی از زندگی روزانه ما خواهد بود. منافع ما در مبارزه طبقاتی است، در مبارزه طبقاتی کارگران نه بر مبنای هویت های کاذب همچون هویت قومی، هویت مذهبی بلکه بر مبنای هویت طبقاتی که وجه مشترک همگی بردگان مزدی است، گرد هم می آیند و در راستای منافع مشترک طبقاتی مبارزه می کنند. به جای گوشت دم توپ شدن در جنگ گانگسترها، بجای تداوم بربریت، به جای تمکین به نظام کثیف سرمایه داری باید در راستای تحقق انقلاب کمونیستی برای پایان دادن به نکبت سرمایه داری کوشید.

صدای انترناسیونالیستی

۷ اسفند ۱۴۰۰